

شماره یا نام مصحح اول	نمره به عدد	نمره به حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره به عدد	نمره به حروف

کد امتحان:	۳۴۰۰۲/۰۴
تاریخ آزمون:	۱۴۰۰/۰۴/۰۵
عنوان:	اصول فقه ۴
کتاب:	حلقه ثالثه
محدوده:	جزء دوم: از ابتدای الوظیفه فی حاله العلم الاجمالی تا ابتدای ارکان الاستصحاب (ص ۲۳۵-۸۴)
حذفیات:	ندارد

نام و نام خانوادگی: نام پدر: کد طلکبی: مدرسه علمیه: شهرستان: استان:

۱- کدام یک از بزرگان در تفسیر علم اجمالی قائل به «فرد مردد» هستند؟ ص ۸۸

۰/۵

- الف. محقق اصفهانی (ه)
- ب. محقق عراقی (ه)
- ج. صاحب کفایه (ه)
- د. محقق نائینی (ه)

۲- حکم علم اجمالی هنگام اضطرار به طرف معین (در صورتی که اضطرار بعد از علم اجمالی حاصل شود) چیست؟ ص ۱۲۷

۰/۵

- الف. رکن اول مختل است
- ب. حقیقه منحل است
- ج. حکما منحل است
- د. منجز است

۳- مشهور در صورتی که برخی از اطراف علم اجمالی از محل ابتلاء خارج باشند، علت عدم تنجیز را اختلال در چه رکنی می دانند؟ ص ۱۵۱

۰/۵

- الف. رکن چهارم
- ب. رکن اول
- ج. رکن دوم
- د. رکن سوم

۴- علم اجمالی در مثال: «علم المرأة إجمالاً - إذا ضاعت علیها أيام العادة - بحرمة المکث فی المسجد فی بعض الأيام من الشهر» چه نامیده می شود؟ ص ۱۵۴

۰/۵

- الف. علم اجمالی به قصیر و طویل
- ب. علم اجمالی به تدریجیات
- ج. علم اجمالی به اقل و اکثر
- د. علم اجمالی به فرد مردد

۵- با توجه به عدم تنجز علم اجمالی در «دوران بین محذورین» چرا مرحوم نائینی (ه) قائل است که حدیث رفع شامل آن نمی شود؟ ص ۱۶۸

۰/۵

- الف. لان الترخیص فیہ بملاک الاضطرار
- ب. لان الشک لیس بدویاً
- ج. لانصراف عن المورد
- د. لانه لا یمنک الوضع

۶- قائلین به احتیاط در بحث اقل و اکثر از طریق استصحاب، چه نوع استصحابی را جاری می دانند؟ ص ۱۹۶

۰/۵

- الف. استصحاب کلی قسم دوم
- ب. استصحاب موضوع مرکب
- ج. استصحاب کلی قسم سوم
- د. استصحاب حکم معلق

۷- عبارت: «و صفوة القول انه على مسلک قبح عقاب بلا بیان لاموجب لافتراض التعارض فى البرائة العقلية بل لامعنى لذلك اذ لا يعقل التعارض بين حکمين عقليين...» را تبیین کرده، چرا شهید صدر^(ره) تعارض اصول در علم اجمالی را بنابر مسلک قبح عقاب بلا بیان نمی پذیرد؟

ص ۹۴

جواب: بنابر مسلک قبح عقاب بلا بیان، بین برائتها در اطراف علم اجمالی تعارض نیست بلکه اصلاً تعارض بی معناست زیرا برائت عقلی حکم عقلی است و حکم عقلی اگر ملاکش (عدم بیان) تام باشد، در هر دو طرف بدون معارضه جریان می یابد زیرا تعارضی بین دو حکم عقلی نیست و اگر برائت جاری نشود بدلیل عدم ملاک است نه تعارض. [شهید صدر^(ره) قائلند در اصول عملیه عقلیه تعارض بی معناست چه ثبوتاً زیرا معنی ندارد در ادراکات عقل عملی تعارض واقع شود و نه اثباتاً چون مقام اثبات آنها عین همان ادراک آنها توسط عقل است و معقول نیست بین دو ادراک عقلی تناقض باشد.]

۸- با توجه به عبارت: «ان لایکون العلم بالفرد ناظراً الی تعیین المعلوم الاجمالی و یكون للمعلوم الاجمالی علامة فى نظر العالم غیر محرزة التواجد فى ذلك الفرد» نحوه تعلق علم به فرد را به همراه مثال توضیح داده، حکم رکن دوم منجزیت علم اجمالی را بررسی کنید. ص ۱۱۵

جواب: اگر شخص اجمالاً علم داشته باشد انسان بلند قدی در مسجد است سپس علم پیدا کند که زید در مسجد حضور دارد لکن نمی داند زید بلند قد است تا انسان موجود در مسجد بر او تطبیق کند یا زید کوتاه قد است تا تطبیق نکند در این صورت انحلال صورت نمی گیرد و رکن دوم باقی است زیرا احراز نمی شود معلوم دوم (زید) مصداق معلوم اول (انسان بلند قد) است پس علم اجمالی به فرد سرایت نمی کند.

۹- مراد از «ملاقى احد الاطراف» را به همراه مثال بیان کرده، دلیل عدم منجزیت آن را بر اساس اختلال رکن سوم تبیین کنید. ص ۱۳۷ و ۱۳۸

جواب: اگر مکلف به نجاست یکی از دو مایع علم اجمالی داشته باشد و لباسی به یکی از این دو مایع اصابت کند علم اجمالی جدید بین نجاست لباس و مایع دیگر حاصل می شود. دلیل: زیرا اصاله الطهارة در لباس بدون معارض جاری می شود زیرا اصاله الطهارة در هر دو مایع جاری می شود و تعارض می کنند و تساقط و اصاله الطهارة در لباس بدون معارض جاری می شود زیرا در طول آن دو اصل قرار دارد.

۱۰- حکم دوران واجب بین تعیین و تخیر شرعی را بنابر دو مبنا در تخیر شرعی (وجوبین مشروطین و غرضین لزومین متزاحمین) به اختصار تبیین نمایید. ص ۱۹۳

جواب: بر مبنای وجوبین مشروطین: در مثال تخیر بین عتق و اطعام، در صورت ترک اطعام، شکی در وجوب عتق نیست چه تعیناً و چه تخیراً و شک در وجوب عتق در صورت اطعام داریم که برائت جاری می شود و عملاً تخیر اثبات می شود. بر مبنای غرضین لزومین متزاحمین: در این صورت حکم اشتغال است زیرا مرجع شک در وجوب عتق تعیناً یا تخیراً به این است که آیا اطعام باعث عجز از استیفاء غرض لزومی از عتق می شود و از موارد شک در قدرت است که مجرای اصاله اشتغال است. ۱۱- با توجه به فرضیه چهارم در فقه روایت: «فان ظننت انه (ای دم رعاف) قد اصابه و لم اتیقن ذلك، فنظرت فلم ار شيئاً، ثم صلیت فرایت فیه؟ قال: تغسله و لاتعید الصلاة قلت: و لم ذلك؟ قال: لانک کنت علی یقین من طهارتک ثم شککت..» که شک هم حین فحوص و هم حین وجدان فرض می شود، جریان قاعده یقین واستصحاب را بررسی کنید. ص ۲۱۶

جواب: گمان می کند به نجاستی متلوث است فحوص می کند و چیزی نمی یابد پس بر شک خود باقی می ماند سپس نماز می خواند و نجاستی را می بیند ولی شک دارد این نجاست همان نجاستی است که فحوص کرده و نیافته یا نجاست دیگری است. (۵/۰ نمره) قاعده یقین جاری نمی شود زیرا شک در خطای یقین سابق حاصل نشده است. (۵/۰ نمره) استصحاب حال صلاة جاری می شود زیرا ابتدا قبل از ظن به نجاست یقین دارد و حال صلاة [بعد فحوص] شک می کند استصحاب جاری می شود و همچنین استصحاب حال سؤال نیز جاری می شود زیرا ابتدا قبل از ظن به نجاست یقین دارد بعد از نماز شک می کند در نجاست استصحاب جاری می شود. (۱ نمره)

«سامانه پیام کوتاه ۰۵۰۰۱۷۱۷۱۴۴۳۱ معاونت آموزش آماده دریافت پیشنهادات و انتقادات پیرامون سؤالات امتحانی می باشد.»

«در صورت ارسال پیام کوتاه، ذکر کد امتحان و شماره سؤال به صورت دقیق جهت امکان بررسی و موابغویی ضروری می باشد.»